

چندمعنایی افعال حوزه شنیدن در زبان فارسی: بررسی در زمانی، پیکره‌ای، و شناختی

آیدا عظیمی*

آزیتا افراشی**

چکیده

در این پژوهش نخست معانی افعال حوزه شنیدن به شیوه کتاب‌خانه‌ای در فرهنگ‌های لغت یافت شد و فهرستی از معانی افعال حوزه شنیدن فراهم آمد و برچسب‌های معنایی دسته‌بندی‌شده‌ای ایجاد شد که همه معانی ذکر شده در فرهنگ‌ها را شامل شود. سپس، شواهد کاربرد این افعال از پایگاه دادگان زبان فارسی، که پیکره‌ای از متون فارسی است، استخراج و در نرم‌افزار اکسل درج شد. باتوجه به شواهد فرهنگ‌های لغت و پیکره معاصر، یازده معنی برای فعل «شنیدن»، شش معنی برای «شنفتن»، سه معنی برای «گوش دادن»، چهار معنی برای «گوش کردن»، و پنج معنی برای «نیوشیدن» استخراج شد. هم‌چنین، باتوجه به داده‌های به‌دست‌آمده از پیکره تاریخی، یازده معنی برای فعل «شنیدن»، یک معنی برای «شنفتن»، دو معنی برای «گوش دادن»، دو معنی برای «گوش کردن»، و دو معنی برای «نیوشیدن» استخراج شد. به‌عنوان نتیجه، با استفاده از بسامد معانی، نمودار شبکه معنایی فعل شنیدن، گوش دادن، و گوش کردن در پیکره معاصر ترسیم شد. از این یافته‌ها می‌توان

* دانشجوی کارشناسی ارشد، پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران
ayda.azimi89@gmail.com

** دانشیار پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران (نویسنده مسئول)
a.afraشي.ling@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۷

در فرهنگ‌نگاری، آموزش زبان به غیرفارسی‌زبانان، و به‌منظور مقایسه بین‌زبانی معانی افعال حوزه شنیدن با نتایج سایر پژوهش‌ها در زبان‌های دیگر بهره برد.

کلیدواژه‌ها: افعال حسی، افعال حوزه شنیدن، پیکره، چندمعنایی نظام‌مند، زبان فارسی، معناشناسی شناختی.

۱. مقدمه

افعال حسی در همه زبان‌های جهان بازنمود دارند. این افعال در حوزه عملکرد حواس پنج‌گانه قرار می‌گیرند. برای نمونه، فعل‌هایی مانند شنیدن، گوش‌دادن، شنودن، شفتن، به‌گوش‌رسیدن، نیوشیدن، و گوش‌سپردن در حوزه فعل‌های حسی شنوایی‌اند. مقایسه‌های بین‌زبانی نشان می‌دهند تعداد و تنوع این فعل‌ها در هر حوزه حسی در زبان‌های مختلف متفاوت است. نکته قابل‌توجه این است که در همه زبان‌ها این فعل‌ها از حوزه‌های حسی ملموس به حوزه‌های انتزاعی بسط پیدا می‌کنند و برای توصیف و بیان مفاهیم ذهنی به‌کار گرفته می‌شوند. هم‌چنین، قابل‌توجه است که در زبان‌های مختلف چندمعنایی و بسط استعاری در برخی حوزه‌ها بیش‌تر از حوزه‌های دیگر است. چندمعنایی فعل‌های حسی و بسط مفاهیم آن‌ها به حوزه‌های انتزاعی مطابق آنچه سوییتسر (Sweetser 1990) و آنتونانو (Ibarretxe-Antuñano 1999) مطرح کرده‌اند تابع الگوست.

در نگرش شناختی، مفاهیم واژه‌های چندمعنا اعضای یک مقوله‌اند که در کانون آن یکی از معانی به‌عنوان پیش‌نمونه قرار دارد. آنچه گفته شد کاربرد چندمعنایی به‌مثابه سازوکاری برای مقوله‌بندی در نگرش شناختی است که بر اساس آن چندمعنایی پدیده‌ای تصادفی نیست. علاوه‌بر معناشناسان، رده‌شناسان زبان نیز به این موضوع پرداخته‌اند. با استفاده از راه‌کارهای تحلیلی جدیدی که مبنای ریشه‌شناختی دارند، مشخص شد که چندمعنایی در برخی حوزه‌های مفهومی مثل حروف اضافه، اندام‌واژه‌ها، و فعل‌های حسی قاعده‌مند است (افراشی ۱۳۹۵: ۱۳۳-۱۳۵).

در این پژوهش با استفاده از رویکرد شناختی، پیکره‌ای، و درزمانی به بررسی چندمعنایی افعال حوزه شنیدن در زبان فارسی پرداخته شده است و با استناد به پایگاه دادگان زبان فارسی (PLDB) تلاش می‌شود در پایان نمودار شبکه معنایی افعال یادشده ترسیم شود. شیوه کار به‌صورت کتاب‌خانه‌ای شروع شد؛ به‌این‌صورت که معانی افعال حوزه شنیدن در لغت‌نامه دهخدا (۱۳۳۷)، فرهنگ فارسی معین (۱۳۸۴)، فرهنگ بزرگ سخن

(انوری ۱۳۸۱)، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی (حسن دوست ۱۳۸۳)، و فرهنگ ریشه‌شناختی افعال فارسی میانه (منصوری ۱۳۹۴) جست‌وجو شد. در این تحقیق تمرکز بر پنج فعل حوزه «شنیدن» یعنی شنیدن، شنفتن، گوش‌دادن، گوش‌کردن، و نیوشیدن بوده است. در مرحله بعد، به هدف پیدا کردن بافت‌های کاربرد در زبان طبیعی برای افعال حوزه شنیدن به پایگاه دادگان زبان فارسی مراجعه شد. این مرحله به منظور فراهم آوردن ملاکی کاربردی برای تعیین همه معانی افعال حوزه شنیدن انجام شد. این مرحله از پژوهش، به منظور تهیه فهرست نهایی برای ترسیم شبکه معنایی افعال حوزه شنیدن از اهمیت زیادی برخوردار بود. پس از گردآوری داده‌ها، به تحلیل جملات و تعیین برچسب‌های معنایی برای هر شاهد مثال پرداخته شد. سپس، همه شاهد‌ها در نرم‌افزار اکسل (Excel) درج شد تا امکان تحلیل‌های آماری فراهم آمده و نمودار چندمعنایی ترسیم شود.

در پژوهش حاضر قصد بر آن است تا چندمعنایی افعال حوزه شنیدن بر مبنای داده‌های پیکره‌ای و براساس الگوی آنتونانو (Ibarretxe-Antuñano 1999) و سویتسر (Sweetser 1990) بررسی و به این پرسش پاسخ داده شود که در پیکره تاریخی و معاصر در پایگاه دادگان زبان فارسی افعال حوزه شنیدن از کدام معانی برخوردارند؟ هم‌چنین، مقایسه معانی افعال حوزه شنیدن در پیکره تاریخی و پیکره معاصر در خصوص تحولات معنایی چه نتایجی به دست می‌دهد؟

۲. مبانی نظری و پیشینه

ون هوک (Van Hoek 1999) در ارتباط با اصول مشترک همه نظریه‌های مربوط به رویکرد زبان‌شناسی شناختی بر آن است که در این رویکرد معنی یک لفظ مفاهیمی است که در بافت‌های مختلف در ذهن گوینده یا شنونده فعال می‌شود. وی بر این باور است که «مطالعه معنا دایره‌المعارفی است و نه واژه‌نامه‌ای. در این نگرش واژه‌ها و واحدهای بزرگ‌تر مدخل‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که با آن‌ها به شبکه‌ای نامحدود از دانش دست‌رسی پیدا می‌کنیم. برای تفسیر واژه‌ها، باید تصورات، استعاره، مدل‌های ذهنی، و درک غیرتخصصی از جهان خارج در نظر گرفته شود. مقولات در پارادایم زبان‌شناسی شناختی ساخت‌مندند و پیرامون یک پیش‌نمونه و براساس شباهت خانوادگی و ارتباط ذهنی سازمان یافته‌اند.

کوراث (Kurath 1921) با بررسی بعضی از زبان‌های هندواروپایی به این نتیجه رسید که واژه‌های مربوط به احساسات در زبان‌های یادشده از الفاظ مربوط به کنش‌های فیزیکی مشتق می‌شوند یا از تجاربی می‌آیند که همراه با این عواطف‌اند. لیکاف و جانسون (Lakoff and Johnson 1980)، جانسون (Johnson 1987)، لیکاف (Lakoff 1987)، سوییتسر (Sweetser 1990)، و زبان‌شناسان دیگر بر این موضوع تأکید داشته‌اند که الفاظ مربوط به دریافت فیزیکی به صورت استعاری در مورد تجارب درونی بسط می‌یابند. به نظر می‌رسد هم‌بستگی‌ای بین وجوه مختلف دریافت و تجربه درونی وجود دارد. این هم‌بستگی منطقی توضیح‌دانی است. سوییتسر (Sweetser 1990) بینایی را به عنوان اصلی‌ترین پایگاه حسی دریافت داده‌های عینی بیان می‌کند. شنوایی در فهم آن‌چه گفته می‌شود نقش به‌سزایی دارد و نقش آن در فهم داده‌های زبانی پُررنگ است. داده‌های شنیداری حساسیت شنونده را می‌طلبند که این موضوع به صورت استعاری می‌تواند به حساسیت، موافقت، و پذیرش ذهنی تعبیر شود.

مقوله‌بندی از جمله ویژگی‌های شناختی انسان است که سامان‌دهی تجربیات وی از جهان را به عهده دارد. مقوله‌بندی در زبان انسان بازتاب می‌یابد و مقوله‌ها با استفاده از الفاظ زبانی، که فرهنگ وابسته‌اند، نام‌گذاری می‌شوند (افراشی ۱۳۹۵: ۳۵ و ۳۶). به عقیده لیکاف (Lakoff 1987)، یک مقوله ساختاری مدور دارد که مفاهیم مختلف واژه در حاشیه و مفهوم کانونی و پیش‌نمونه در مرکز قرار می‌گیرند. به طور فرضی، مفاهیم مختلف واژه برحسب شباهتی که با پیش‌نمونه دارند در فواصل مختلفی از مرکز دایره قرار می‌گیرند، حال آن‌که همه اعضای یک مقوله اشتراکاتی دارند که با عنوان شباهت خانوادگی نامیده می‌شوند. در الگویی دیگر که تیلر (Taylor 1995) معرفی کرده است ساخت معنا زنجیره‌وار است؛ به طوری که معنای نخست مبنایی برای شکل‌گیری معنای دوم قرار می‌گیرد و به همین ترتیب تا معنای آخر ادامه پیدا می‌کند.

شنوایی مهم‌ترین راه برای دریافت اطلاعات زبانی و تأثیرات ذهنی و عاطفی است. دریافت درونی مفاهیم به معنای فهمیدن آن‌چه شنیده شده غالباً با واژه‌های حوزه شنیدن فیزیکی در ارتباط است (Sweetser 1990: 41). سوییتسر (Sweetser 1990: 38) افعال حوزه شنیدن را افعالی می‌داند که در ارتباطات زبانی دخیل‌اند. وی در نمودار چندمعنایی افعال حوزه شنیدن را افعالی برای ارتباطات بین‌فردی مطرح کرده که زنجیره‌وار از شنیدن فیزیکی به پذیرش درونی یا توجه بسط می‌یابند. مورد آخر نیز به معنای اطاعت کردن بسط معنایی می‌یابد.

چندمعنایی افعال حوزه شنیدن در زبان فارسی: بررسی در زمانی، پیکره‌ای، و شناختی ۱۳۷

ارتباطات بینافردی ← شنیدن ← دریافت درونی ← اطاعت
(دریافت فیزیکی) (توجه در تضاد با نشنیدن یک درخواست)

نمودار ۱. ساختار استعاره‌های شنیدن سویتسر (Sweetser 1990: 38)

به نظر آنتونانو (IbarretxeAntuñano 1999: 64-68)، شنیدن حس مربوط به ارتباط زیبایی است و همه معانی آن، چه ذهنی چه عینی، از این الگو تبعیت می‌کنند. از جمله معانی بسط‌یافته مشترک در سه زبان انگلیسی، باسک، و اسپانیایی توجه کردن است. این فعل به خودی خود معنای شنیدن <توجه کردن> اطاعت کردن را القا نمی‌کند، بلکه بافت مکالمه است که موجب شکل‌گیری این معانی شده است. ویژگی شنیدن به عنوان حسی بین‌فردی این معانی را ایجاد کرده است. در جدول ۱ بسط معنایی افعال حوزه شنیدن در سه زبان انگلیسی، باسک، و اسپانیایی ارائه می‌شود:

جدول ۱. بسط معنایی افعال حوزه شنیدن در انگلیسی، باسک، و اسپانیایی
(Ibarretxe-Antuñano 1999: 68)

اسپانیایی	باسک	انگلیسی	معنا
√	√	√	توجه کردن
√	√	√	اطاعت کردن
√	√	√	مطلع شدن، اطلاع پیدا کردن
√	√	√	فهمیدن
	√		تعلیم داده شدن
	√		موافق بودن

اونس و ویلکینز (Evans and Wilkins 2000) به رابطه‌ای انعطاف‌پذیرتر میان افعال حسی و شناخت اعتقاد دارند. در زبان‌های استرالیایی، برخلاف زبان‌های هندواروپایی، از فعل شنیدن بیشتر برای گسترش معنی به سمت «دانستن» و «فکرکردن» استفاده می‌شود تا از فعل دیدن. به طور خلاصه، بسط‌های معنایی برون‌حوزه‌ای افعال حوزه شنیدن در جدول ۲ خلاصه شده است:

جدول ۲. بسط معنایی برون‌حوزه‌ای افعال حوزه شنیدن به حوزه شناختی در زبان‌های استرالیایی
(Evans and Wilkins 2000: 572)

زبان‌ها	شنیدن/ گوش دادن	فهمیدن	فکر کردن	دانستن	به یاد آوردن	اطاعت/ توجه
D; K; A; Alyawarre	+	+				
Wik Mungkan	+	+				+
Ngaliwuru, Banjalang, Warluwarra	+	+	+			
Nunggubuyu	+	+	+		+	
Kuk; Luritja	+	+	+			+
Pitjantjatjara	+	+	+	+	+	+
Warlpiri	+	+		+	+	
Yawuru; Wakaya	+	+		+		
Ngarluma	+		+	+		
Yidiny	+		+		+	
Wemba-Wemba; Gugu Yalanji	+				+	
Lardil	+					+

افراشی و صامت (۱۳۹۳) در بررسی هم‌زمانی افعال حوزه شنیدن با استفاده از الگوی آنتونانو و سوییتسر درصدد یافتن معانی فعل شنیدن برآمده‌اند. آن دو، پس از ارائه مثال‌هایی از متون معاصر فارسی و نیز با استفاده از لغت‌نامه‌های فارسی، الگوی تیلر (Taylor 1995) را برای ترسیم بسط استعاری افعال حوزه شنیدن مناسب‌تر دانستند. معانی بسط‌یافته از حوزه شنیدن در مقاله یادشده شامل این موارد است: ۱. درخواست توجه‌کردن؛ ۲. اطاعت‌کردن؛ ۳. موافقت و پذیرش؛ ۴. بوییدن؛ ۵. ظن و گمان‌بردن؛ ۶. مطلع‌شدن؛ ۷. فهمیدن.

استفاده از پیکره به پژوهش‌گران این امکان را می‌دهد که رویکرد خود را در پیداکردن معانی متفاوت عینی‌تر و تجربی‌تر کنند. این رویکرد جدید مطالعه معنی‌شناسی واژگانی را هم از دیدگاه نظری هم کاربردی پیچیده‌تر می‌کند (Dash 2008: 89). با تحلیل تاریخی پیکره اهمیت این موضوع برجسته می‌شود که برای مطالعه تغییرات معنایی به ابزاری نظیر پیش‌نمونه‌ها محتاجیم. همین‌طور برای مستندسازی جهت‌های تغییر معنا باید به منابعی هم‌چون پیکره‌های تاریخی رجوع کنیم. از نظر بیکر و دیگران (Baker et al. 2006: 107, 108)،

از کاربردهای زبان‌شناسی پیکره‌ای کمک به بالابردن دقت در واژگان‌نگاری است. با این روش می‌توان به تعداد معانی بیش‌تری در فرهنگ‌نگاری دست یافت. عاصی (۱۳۸۲: ۲) بر آن است که تکیه بر داده‌های واقعی زبان به صورت گسترده‌ای رواج یافته و شرط اساسی بسیاری از پژوهش‌های نظری و کاربردی مانند نظریه‌پردازی و توصیف ساختمان زبان، گویش‌شناسی، دستورنویسی، و فرهنگ‌نگاری به‌شمار می‌آید.

درخصوص پیشینه آثار غیرایرانی مربوط به چندمعنایی افعال حسی در زبان‌های دنیا می‌توان از اثر رده‌شناختی ویبرگ و هرم افعال حسی که به‌وسیله پرسش‌نامه و با استفاده از ۵۳ زبان دنیا انجام داده نام برد. ویبرگ (Viberg 1984) در اثر خود پنج حس دیدن، شنیدن، لامسه، چشایی، و بویایی را وجوه حسی معرفی کرده است. هرم افعال حسی، که در این اثر ترسیم شده است، فعل بینایی را در رأس خود نشان می‌دهد. بر این اساس، افعالی که در سطح بالاتری از هرم قرار دارند امکان بیش‌تری در بسط معنایی به افعال سطوح پایین‌تر پیدا می‌کنند. تراگوت (Traugott 1986) در مقاله خود با نام «از چندمعنایی تا بازسازی درونی معنی» بر ضرورت در نظر گرفتن چندمعنایی در مطالعات معنی‌شناختی تأکید می‌ورزد. آنتونانو (Ibarretxe-Antuñano 1997) در اثری بین‌زبانی به افعال حوزه بویایی پرداخته است. وی بسط‌های معنایی افعال حوزه بویایی را ذکر کرده و درصدد تبیین آن است که این بسط‌ها مبنایی شناختی دارند. نیومن (Newman 1997) در مقاله‌اش نقش اساسی بدن انسان و فرایندهای فیزیکی در زندگی روزانه را منشتی برای انواع استعاره‌ها می‌داند. وی با مطالعه رمان‌ها و کتاب‌های ۱۵۰ سال اخیر ادبیات آمریکای شمالی و انگلستان به نگاشت‌های استعاره‌ی مختلف افعال حوزه خوردن و آشامیدن در زبان انگلیسی پرداخته است.

ویرژیبتسکا (Wierzbicka 1994: 36-38) به‌نقل از گودار (Goddard 1992) از چندمعنایی فعل حسی شنیدن در زبانی استرالیایی از خانواده واتی (Wati) می‌گوید در این زبان واژه kulini هم به معنای «شنیدن» هم به معنای «فکر کردن» به کار می‌رود. این مورد دقیقاً مشابه مورد چندمعنایی دیدن/ فهمیدن در زبان انگلیسی است. او در مثالی از یک زبان استرالیایی دیگر به نام آلکانو (Alekanu) اظهار می‌کند که واژه‌های به‌کاررفته برای «دانستن» و «فکر کردن» با واژه فعل «شنیدن» مشابه است. یکی از نتایجی که روخو لوپز و بالنزئولا (Rojo López and Valenzuela 2004) در مقاله خود با نام «افعال حسی: مقایسه انگلیسی و اسپانیایی» می‌گیرند این است که علاوه بر استعاره «فهمیدن دیدن است»، استعاره «دانستن شنیدن است» نیز در مثال‌های پیکره این مقاله یافت می‌شود. روخو و بالنزئولا با بررسی دویست فعل حسی از رمان‌های معروف درصدد بررسی این مهم برآمدند که آیا در روند

ترجمه اطلاعات به متن افزوده یا کاسته می‌شود یا خیر. ونهوف (2008 Vanhove) در تحلیلی تاریخی و هم‌زمانی پس از پرداختن به حوزه افعال حسی نتیجه می‌گیرد که با وجود این که بینایی از مهم‌ترین حواس قلمداد می‌شود، این افعال حوزه شنوایی‌اند که در بررسی ارتباط بین شنیدن و افعال حوزه ادراک ذهنی در زبان‌های دنیا از بینایی سبقت می‌گیرند. جیکوبی و الگوزولی (2013 Jakobi and El-Guzuuli) بر روی زبان دانگولاولی (Dongolawi)، که در سودان شمالی صحبت می‌شود، تحقیق کرده‌اند. این زبان شاخه‌ای از خانواده زبانی نوبیان است. در دو زبان استرالیایی (که در این پژوهش بررسی شد) و دانگولاولی فقط دو فعل حسی فیزیکی فعالیت‌محور دیدن (nal) و شنیدن (gijir)، که در رتبه بالای هرم وجوه حسی قرار می‌گیرند، به حوزه دریافت غیرفیزیکی گسترش می‌یابند. دیدن به دو حوزه بسط می‌یابد: الف. شناخت جستاری مثل معاینه کردن، چک کردن، پی‌بردن، و فکر کردن راجع به چیزی؛ ب. تعاملات اجتماعی مانند احوال‌پرسی کردن، ملاقات کردن، دیدار کردن، نگه‌بانی کردن، و محافظت کردن. فعل شنیدن به حوزه رفتارهای اجتماعی نیز گسترش می‌یابد. مثلاً، پندپذیری و قبول نصیحت و اطاعت. هیچ‌کدام از دو فعل فوق رویدادهای شناختی مثل فهمیدن، دریافت کردن، درک کردن، دانستن، به‌یاد آوردن، فکر کردن، یا آموختن را واژگانی نمی‌کنند. ترایس (2010 Treis) در مقاله خود به طرح دو پرسش پرداخته است: الگوی درون‌حوزه‌ای چندمعنایی در زبان‌های کامباتا و دیگر زبان‌های اتیوپیایی چیست؟ الگوی برون‌حوزه‌ای افعال حسی و، به‌بیان‌دیگر، ارتباط افعال دریافت فیزیکی و افعال ادراک ذهنی و شناختی چگونه است؟ نِنگو (2013 Neagu) به‌نقل از سویتسر (1990 Sweetser) فعل شنیدن را مرتبط با جنبه‌های برونی و درونی فهم سخن می‌داند. وی معانی زیر را برای فعل شنیدن در سه زبان انگلیسی، فرانسوی، و رومانیایی مشترک می‌داند: ۱. توجه کردن، ۲. اطاعت کردن، ۳. مطلع شدن، ۴. فهمیدن؛ با این توضیح که معانی دیدن بیش‌تر به جنبه تعقل و معانی شنیدن به حوزه ارتباطی فهم بسط یافته است.

درخصوص آثار ایرانی مربوط به حوزه چندمعنایی افعال حسی نیز می‌توان آثار زیر را نام برد: فیاضی و دیگران (۱۳۸۷) در مقاله خود با استفاده از داده‌های گفتاری و شنیداری موجود به این نتیجه می‌رسند که «فارسی‌زبانان برای بیان وضعیت ذهنی خود به‌طور استعاری از افعال مربوط به قالب‌های حسی استفاده می‌کنند». این نگارندگان دو فعل «دیدن» و «شنیدن» را بیش از افعال حسی دیگر در گسترش معنایی افعال حوزه درک و شناخت پُرکاربرد می‌دانند. مادرشاهیان (۱۳۸۸) با جمع‌آوری داده از فرهنگ انوری (۱۳۸۱) و در چهارچوبی شناختی بسط استعاری و چندمعنایی افعال حسی در زبان فارسی را

بررسی می‌کند. این زبان نیز مانند بسیاری از زبان‌های هندواروپایی فرایند مفهوم‌سازی را بیش‌تر با استفاده از حس بینایی انجام می‌دهد. بحث دیگر در این پایان‌نامه تعیین عضو پیش‌نمونه در واحدهای هم‌حوزه است. شهابی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود پیکره‌ای از افعال حسی را با استفاده از فرهنگ هم‌ایندهای فارسی، فرهنگ جامع پیش‌رو آریان‌پور فارسی به انگلیسی، فرهنگ بزرگ سخن، فرهنگ طیفی، پایان‌نامه مادرشاهیان (۱۳۸۸)، پایگاه دادگان زبان فارسی، و فارسی‌نت تهیه و افعال یادشده را پس از دسته‌بندی در قالب فرهنگی کوچک تدوین می‌کند. سپس، با استفاده از این داده‌های گردآمده و الگوریتم لسک درصدد رفع ابهام افعال شناختی برمی‌آید. پورداد و کربلایی صادق (۱۳۹۲) در چهارچوبی رده‌شناختی افعال حسی حوزه «خوردن» و «آشامیدن» را در زبان فارسی بررسی کرده‌اند. گندم‌کار (۱۳۹۵) در اثر خود سعی در مقایسه معانی فعل خوردن در زبان فارسی با دو زبان اردو و مراآتی دارد. تعدد معنایی فعل یادشده در زبان فارسی در مقایسه با دو زبان دیگر، حتی بدون در نظر گرفتن مواردی که خوردن فعل سبک است، نکته قابل توجه در این مقاله است. افراشی و عسگری (۱۳۹۶) با رویکرد معناشناسی شناختی و به روش پیکره‌ای به مطالعه چندمعنایی فعل «دیدن» در زبان فارسی پرداخته‌اند. نتیجه این است که نگاه کردن معنای پیش‌نمونه برای ترسیم الگو قلمداد می‌شود. به‌علاوه، شبکه چندمعنایی این افعال ترسیم‌شده در فرهنگ‌نگاری و آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان کاربرد دارد. فتح‌علی و افراشی (۱۳۹۶) نیز افعال حسی حوزه خوردن و آشامیدن را با رویکردی پیکره‌ای و شناختی تحلیل کرده و درصدد ترسیم نمودار بسط معنایی افعال یادشده نمونه‌هایی را در متون موجود در پایگاه دادگان زبان فارسی جست‌وجو کرده‌اند.

از جمله آثار داخلی و خارجی مربوط به چندمعنایی افعال حوزه شنیدن می‌توان آثار زیر را نام برد. اونس و ویلکینز (Evans and Wilkins 2000) در پژوهشی بر زبان‌های بومی استرالیا فرضیه جهانی‌بودن الگوهای چندمعنایی و بسط‌های معنایی را به‌چالش کشیده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، برخلاف نظر سوییتسر (Sweetser 1990) مبنی بر گسترش بین‌حوزه‌ای فعل‌های حوزه بینایی به فعل‌های حوزه شناخت، در شصت زبان استرالیایی مورد مطالعه افعال حوزه شنیدن تمایل بیش‌تری به گسترش در حوزه یادشده دارند؛ به این صورت که بسط‌های فعل «دانستن» و «فکرکردن» را بیش‌تر مبتنی بر حوزه افعال «شنیدن» گسترش می‌دهند. افراشی و صامت (۱۳۹۳)، با بررسی معنای فعل حسی شنیدن در فرهنگ‌های برجسته و متون فارسی معاصر، تا هفت معنی برای این فعل یافتند و درصدد برآمدند تا با استفاده از الگوی لیکاف (Lakoff 1987) و تیلر (Taylor 1995) شبکه

معنایی بسط استعاری فعل شنیدن در زبان فارسی را ترسیم کنند. آن دو الگوی تیلر را برای ترسیم الگوی افعال حسی در زبان فارسی کارآمدتر می‌دانند. عظیمی (۱۳۹۹) نیز در اثر خود چندمعنایی افعال حوزه شنیدن را با رویکردی پیکره‌ای، شناختی، و در زمانی بررسی کرده است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحلیلی و توصیفی است. نگارندگان، با استفاده از کتاب‌ها، مقالات، و مجله‌های زبان‌شناسی، مطالب موردنیاز برای پیشینه این پژوهش را استخراج و با استفاده از واژه‌نامه‌ها برچسب‌های معنایی افعال حوزه شنیدن را بررسی کرده‌اند تا با استفاده از آن‌ها در مرحله بعد تحلیل داده‌ها را ممکن کنند. سپس، با مراجعه به پایگاه دادگان زبان فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، داده‌های موردنیاز برای این پژوهش فراهم شده است. شاهد مثال‌ها در نرم‌افزار اکسل درج و برچسب‌دهی شد و معانی جدید در قالب برچسب‌های جدید مطرح شد. موارد ذکر شده زمینه را برای تحلیل‌های آماری و ترسیم نمودارهای شبکه معنایی افعال حوزه شنیدن فراهم کرد.

۱.۳ گردآوری داده‌ها

اولین مرحله اجرای این پژوهش ایجاد فهرست معنی بوده است. به این منظور، از لغت‌نامه دهخدا (۱۳۳۷)، فرهنگ فارسی معین (۱۳۸۴)، فرهنگ بزرگ سخن (انوری ۱۳۸۱)، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی (حسن‌دوست ۱۳۸۳)، و فرهنگ ریشه‌شناختی افعال فارسی میانه (منصوری ۱۳۹۴) استفاده شد. در این تحقیق تمرکز بر پنج فعل حوزه «شنیدن» یعنی شنیدن، شنفتن، گوش دادن، گوش کردن، و نیوشیدن است. معانی افعال یادشده، صرف‌نظر از صورت‌های مرکب، اصطلاحی، و کنایی در لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ معین، و فرهنگ بزرگ سخن، به هم‌راه شواهد استخراج شد. فعل «شنیدن» در فرهنگ بزرگ سخن شش معنی، در لغت‌نامه دهخدا پنج معنی، و در فرهنگ معین دارای سه معنی است. هم‌چنین، پس از بررسی فعل «شنیدن» در فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی (حسن‌دوست ۱۳۸۳)، سه معنی گوش دادن، شنودن، و استماع یافت شد که کامل و جامع نیستند. فعل «شنفتن» در فرهنگ بزرگ سخن دو معنی، در لغت‌نامه دهخدا دو معنی، و در فرهنگ معین دارای دو معنی است. فعل «گوش دادن» در

فرهنگ بزرگ سخن چهار معنی، در لغت‌نامه دهخدا چهار معنی، و در فرهنگ معین دارای یک معنی است. «گوش کردن» در فرهنگ بزرگ سخن چهار معنی، در لغت‌نامه دهخدا پنج معنی، و در فرهنگ معین دارای یک معنی است. معانی دو فعل «گوش دادن» و «گوش کردن» در فرهنگ ریشه‌شناختی موجود نبود که می‌تواند به علت مرکب‌بودن این دو فعل و به همین سبب وقوع محدودتر در متون قدیمی باشد. «نیوشیدن» در فرهنگ بزرگ سخن سه معنی، در لغت‌نامه دهخدا هفت معنی، و در فرهنگ معین دارای یک معنی است. پس از جست‌وجو در فرهنگ ریشه‌شناختی (منصوری ۱۳۹۴)، معانی «نیوشیدن»، گوش دادن؛ فرمان‌بردن در مدخل «شنیدن» در فارسی یافت شد. ذکر این نکته لازم است که فرهنگ بزرگ سخن به دلیل به‌روزبودن معانی نسبت به لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ معین بیش‌تر مبنا قرار گرفته است. مرحله بعد مراجعه به پایگاه دادگان زبان فارسی با هدف پیدا کردن بافت‌های واقعی از زبان طبیعی برای افعال حوزه شنیدن بود. این مرحله به‌منظور فراهم‌آوردن ملاکی کاربردی جهت تعیین معانی مضاعف افعال حوزه شنیدن انجام شد که در جهت تهیه فهرست نهایی برای ترسیم شبکه معنایی افعال حوزه شنیدن از اهمیت زیادی برخوردار بود. پس از گردآوری داده‌ها به تحلیل جملات و تعیین برچسب‌های معنایی مقتضی برای هر شاهد مثال پرداخته شد. سپس، همه شاهد‌ها در نرم‌افزار اکسل درج شد تا امکان تحلیل‌های آماری فراهم آید. در زیر طبقه‌بندی این مثال‌ها، برچسب‌های معنایی جدید همراه یک نمونه شاهد مثال از پیکره تاریخی و معاصر در قالب جدولی ارائه شده است.

جدول ۳. تفکیک معنایی فعل «شنیدن» در پیکره معاصر و تاریخی

شاهد	بسامد	پیکره	برچسب
ماده ۲۱- در کارگاه‌هایی که بیش‌تر احتمال بروز حریق می‌رود باید وسایل مخصوص اعلام خطر (آژیر) به‌کار رود؛ به‌طوری‌که در تمام محوطه کار اعلام خطر شنیده شود.	۶۰	معاصر	دریافت صدا به‌وسیله گوش (به‌صورت غیرارادی)
عابد آواز گریه بشنید.	۱۱	تاریخی	
زری شنیده بود اما تا با چشم‌های خودش نمی‌دید باور نمی‌کرد.	۴۹	معاصر	مطلع شدن
و رقعت‌ها روان کردی و آنچه بشنیده بود باز نمودی.	۲۸	تاریخی	
عاطفه پنج‌ساله مدام از پدر و مادرش هشدار می‌شنود که باید مراقب دزد‌ها باشد تا به‌خاطر دو دست‌بند حلبی رבוده نشود.	۳۴	معاصر	مواجهه و در معرض سخن قرار گرفتن، دریافت کردن
بایزید چون این سخن به‌کرات از او بشنود، گفت: ای جوان‌مرد ...	۴۲	تاریخی	

برچسب	پیکره	بسامد	شاهد
معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن (به صورت ارادی)	معاصر	۱۸	اما نمی توان یک طرفه به قاضی رفت، باید حرف های آن طرف ماجرای را هم می شنیدیم.
	تاریخی	۱۹	گفتم آیتی بر من خوان تا از تو بشنوم.
دریافت کردن پاسخ	معاصر	۹	سلام دادم و جواب سرد و پُرافاده ای شنیدم.
	تاریخی	۵	در اثنای سخن می گفت که بر استاد ابوعلی سینا، رحمه الله علیه، چنین خواندم و از وی چنین شنیدم.
شنیدن تصادفی یا استراق سمع	معاصر	۵	می شنیدم که درگوشی به هم می گفتند: این زن بیچاره چه طور تحمل می کند.
حس کردن و استنباط	معاصر	۴	از وجودم عطر روح پرور عشق می شنوی.
	تاریخی	۱	سهل بن عبدالله گوید: بوی صدق نشنود هر که مدهانت کند خویشتن را یا کسی دیگر را.
آغاز باب سخن	معاصر	۳	اما بشنویم از آن طرف که حاکم در لباس درویشی به سیروسبیاحت آب و خاک و مردم بود تا بفهمد رونده و پرنده و چرنده چه طور روز را شام و عمر را شب و روز می کنند.
	تاریخی		
شنیدن ناسزا و حرف ناخوشایند	معاصر	۳	از تحقیری که نسبت به مرشدم شنیدم ارادتم به او صدچندان شد.
	تاریخی	۱	ما در شبانه روز به مراتب حرف های زجرآورتری را می شنویم. گفت سه تن خود را در رنج دارند: آن که در مصاف خود را فروگذارد تا زخمی گران یابد و بازرگان حریص بی وارث که مال از وجه ربا و حرام گرد می کند ناگاه به قصد حاسدی سپری شود وبال باقی ماند، و پیری که زن نابه کار خواهد هر روز وی سردی می شنود.
تداعی صدایی که وجود ندارد	معاصر	۲	باز هم آن صدای خفه پُرتین را در درونم شنیدم که به نام صدایم زد.
فهمیدن	معاصر	۲	هرجا که انعکاس صدای شریعتی طنین داشته به قدر و بهره گیری از وجهی از وجوه فکر او، او را شنیده اند.
	تاریخی	۴	و گفت «الست بریکم» را بعضی شنیدند که نه من خدایم و بعضی شنیدند که نه من دوست شما و بعضی چنان شنیدند که نه همه منم.
نقل قول	تاریخی	۶۶	اگر باورت نیست، از خدا بشنو «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ».
پذیرفتن یا اطاعت کردن	تاریخی	۱	نیک طلب می کن و بازمی یاب و نگاه می دار و از من شنیده می باش تا دانی.
بویدن	تاریخی	۲	چون از مال سلطان مجمره ای پُرعود ساختند، از آن جا بگریخت تا آن بوی نشنود و دیگر آن جا نشست.

جدول ۴. تفکیک معنایی فعل «گوش کردن» در پیکره معاصر و تاریخی

معنی	پیکره	بسامد	شاهد
معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن	معاصر	۲۳۱	می‌راند و به موسیقی رادیوی اتوموبیل گوش می‌کند، با دست چپ فرمان را ...
	تاریخی	۸	آتشک گوش کرده بود و این سخن‌ها می‌شنید.
پذیرفتن یا اطاعت کردن	معاصر	۳۹	کاش به نصیحتش گوش می‌کردم.
	تاریخی	۸	مرزبان‌شاه چون سخن فرزند بشنید و بر آن گونه او را نالان دید بگریست و گفت: ای جان پدر و ای فرزند مهربان، پند آن پیرمرد یاد آور و نصیحت آن گوش کن که پند پیران پذیرفتن همه خرمی حاصل آید.
حوزه علاقه فرد به موسیقی	معاصر	۲	طبیعی است که هرکس بنابه سلیقه، دانش، و بینشش و بنابه کاری که انجام داده و انواع موسیقی که گوش کرده یا چیزی که دنبالش بوده است خط موسیقی‌اش را تعیین و دنبال می‌کند.
حس کردن و استنباط	معاصر	۱	بخشی از روند کار یک تهیه‌کننده این است که یاد بگیرد چگونه به صدای درون یک نفر گوش کند.

جدول ۵. تفکیک معنایی فعل «گوش دادن» در پیکره معاصر و تاریخی

معنی	پیکره	بسامد	شاهد
معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن	معاصر	۱۵۴	گلی می‌آید از تو پنجره تو حیاط به بنا و محمد نگاه می‌کند و آواز بنا را گوش می‌دهد.
	تاریخی	۲	فغفور با مهران وزیر و امرای دولت که حاضر بودند جمله گوش و هوش به وی داده بودند.
پذیرفتن یا اطاعت کردن	معاصر	۳۴	فقط به شرط این که کم‌عقلی نکنی و حرف مرا گوش دهی.
	تاریخی	۱	حسین فارسی گوید جُریری گفت: هرکی گوش به حدیث نفس داد اندر حکم شهوت‌ها اسیر گردد.
حوزه علاقه فرد به موسیقی	معاصر	۴	موسیقی، بله موسیقی گوش می‌دهم که اگر این کار را نکنم، چه کنم.

جدول ۶. تفکیک معنایی فعل «نیوشیدن» در پیکره معاصر و تاریخی

معنی	پیکره	بسامد	شاهد
معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن	معاصر	۸	تا روح منور نماز را چنان بر شنوندگان بنمایاند که آن را به‌مثابه سرودی با آهنگ یکتاپرستی بنیوشند و بازتاب آن در جای جای زندگی‌شان آشکار باشد.
	تاریخی	۵	و از ایشان آنک بنیوشید سوی تو. آیا تو شنوانی کران را و اگر بودند، نه خرد داشتند؟

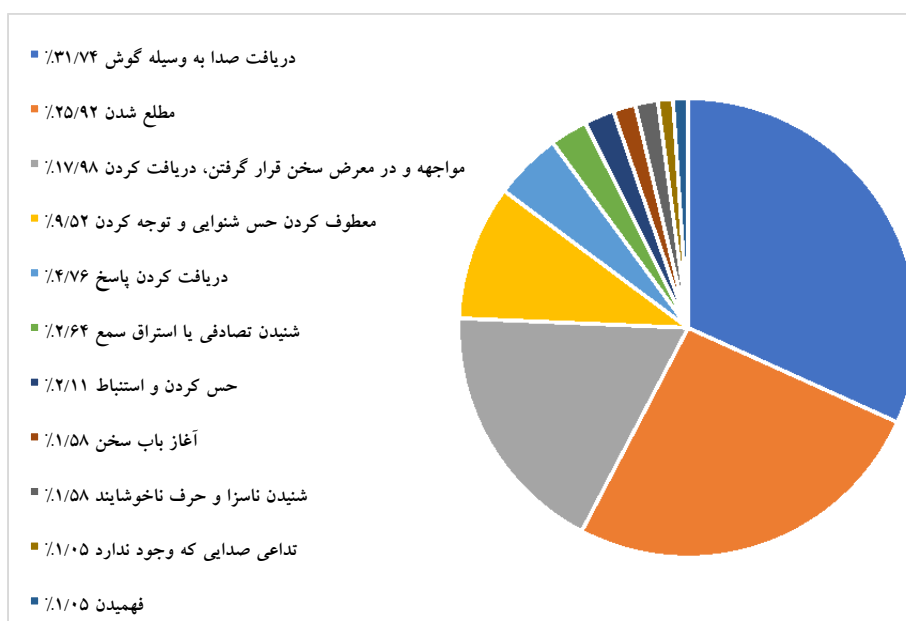
معنی	پیکره	بسامد	شاهد
دریافت صدا به وسیله گوش	معاصر	۴	پیر فرزانه نکواندیش چون صفیری ز عرش بنیوشید.
مواجهه و در معرض سخن قرار گرفتن، دریافت کردن	معاصر	۱	تا با گوش‌های خود سخن لغوی ننیوشیم و با چشم‌هامان به‌طرف لهوی نشتابیم و دست‌هامان را به حرامی نگشاییم و گام‌هامان را در امر ممنوعی پیش نگذاریم و تا شکم‌هامان غیر آن‌چه حلال ساخته‌ای در خود جای ندهد و زبان‌هامان جز به آن‌چه تو حدیث کرده‌ای گویا نشود و جز در کاری که به ثواب تو نزدیک سازد زحمت نکشیم و جز آن‌چه از عقاب تو نگاه دارد فرانگیریم ...
فهمیدن	معاصر	۱	اما دقت در سلوک شهروندان ایرانی و جامعه‌شناسی رفتار آن‌ها نشان می‌دهد که گویی بسیاری از آنان از سعدی تنها نامی را شنیده‌اند و از فرهنگ و اخلاقی که سعدی از آن سخن گفت و عمری برپای آن نهاد چیزی ننیوشیده‌اند.
پذیرفتن یا اطاعت کردن	معاصر	۱	خانم دکتر یوسفی حرف‌های فراوانی دارد، اما سخن چه فایده گفتن که پند نمی‌نیوشیم.
	تاریخی	۱	پس مکر و دستان کردند آن کس‌ها که از پیش بودند. پس خدای برکند بنیادشان از بنیاد، چون صرح نمرود و کوشک‌های حران، فرودافتاد بر ایشان آسمان خانه‌شان از زور ایشان و بیامد بدیشان عذاب از آن‌جا که ندانستند و ننیوشیدند.

جدول ۷. تفکیک معنایی فعل «شنفتن» در پیکره معاصر

معنی	پیکره	بسامد	شاهد
معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن	معاصر	۳	هم‌چو پیغامی که کس نشنفته باشد بود.
دریافت صدا به وسیله گوش	معاصر	۲	گوشش نمی‌شنفت.
مطلع شدن	معاصر	۱	ماه‌لقاجونم، تو خودت شنفتی؟
	تاریخی	۱	و دیگر شنفتیم که ارمنشاه نامه به ولایت‌ها نوشته است و لشکری تمام جمع می‌آورد و نیز قصد آن دارد که خود به مدد فرزند آید بال لشکری تمام.
پذیرفتن یا اطاعت کردن	معاصر	۱	تشبیه می‌کردند یا سرسختی و زور نشنفتن کسی را به بچگی خودش و
معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن	معاصر	۱	باید بگویند کم‌تر گفتن و قدری شنفتن.
بوییدن	معاصر	۲	حتماً بو برنگی شنفته که این وقت روز نشسته‌شو خراب کرده.

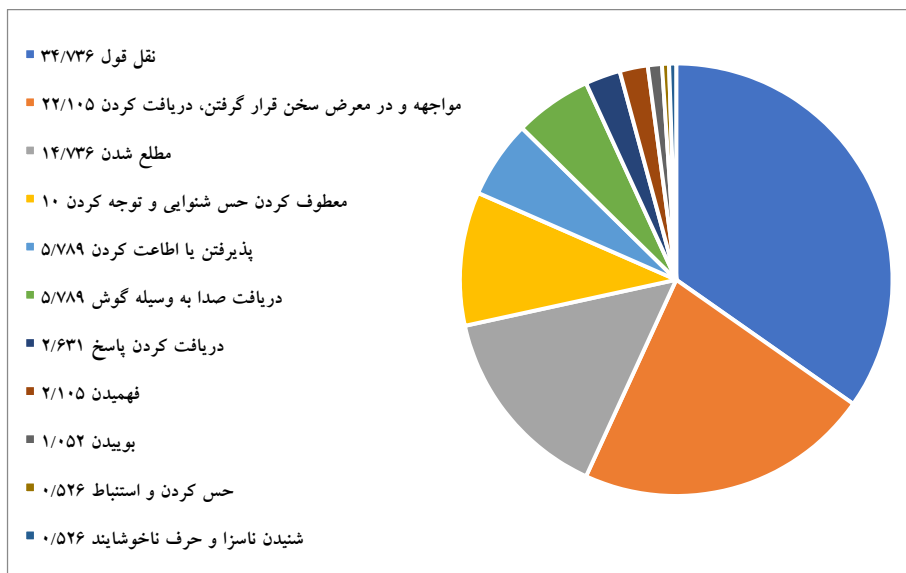
۲.۳ تحلیل داده‌ها

پس از بررسی داده‌های مربوط به فعل «شنیدن» در کل پیکره معاصر زبان فارسی حدود ۲۰۰۰ نمونه استخراج شد. پس از حذف موارد ناپذیرفتنی و نیز معانی اصطلاحی و کنایی، ۱۹۰ شاهد بررسی و به‌دقت برچسب‌گذاری شد. نمودار ۲ توزیع فراوانی معانی فعل شنیدن را در پیکره معاصر نشان می‌دهد.



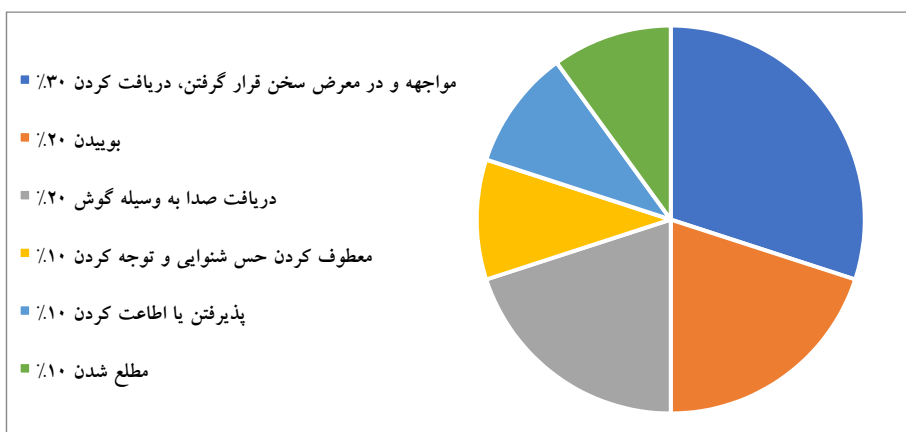
نمودار ۲. توزیع فراوانی معانی فعل «شنیدن» در پیکره معاصر

از بیش از ۱۰۰۰ نمونه استخراج‌شده از فعل «شنیدن» در کل پیکره تاریخی زبان فارسی و پس از حذف موارد ناپذیرفتنی، همین‌طور اصطلاحات و کنایات، ۱۹۰ شاهد انتخاب و بررسی و به‌دقت برچسب‌گذاری شد. نمودار ۳ توزیع فراوانی معانی فعل شنیدن در پیکره تاریخی را برحسب درصد نشان می‌دهد:



نمودار ۳. توزیع فراوانی معانی فعل «شنیدن» در پیکره تاریخی

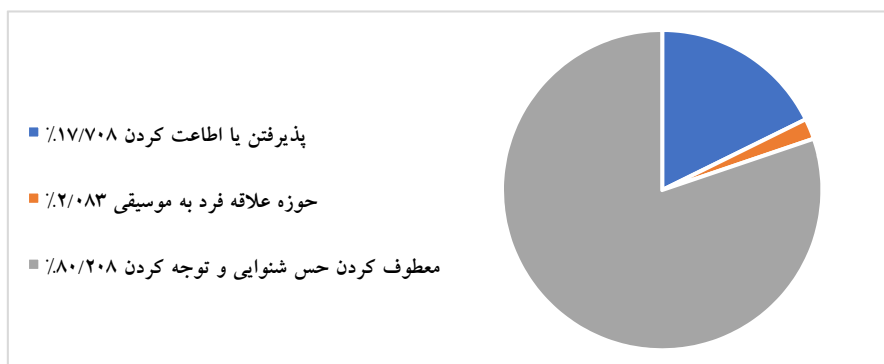
پس از فعل شنیدن، به بررسی فعل «شنفتن» در پیکره فارسی معاصر پرداخته شد. شاهد مثال‌های یافت‌شده برای این فعل در پیکره فارسی معاصر محدود بود و فقط نه مثال قابل قبول استخراج شد. برجسب‌های معنایی برای گزارش معانی موجود در پیکره یادشده شرح داده شده است. نمودار ۴ توزیع فراوانی معانی فعل شنفتن در پیکره معاصر را نشان می‌دهد:



نمودار ۴. توزیع فراوانی معانی فعل «شنفتن» در پیکره معاصر

نتیجه بررسی تنها شاهد مثال موجود در تمام پیکره تاریخی از فعل «شنفتن» یافتن برچسب معنایی «مطلع شدن» بود. ذکر این نکته لازم است که به علت تعداد ناکافی شواهد این فعل در دو پیکره تاریخی و معاصر امکان تحلیل فراهم نشد.

از بیش از ۱۰۰۰ نمونه استخراج شده از فعل «گوش دادن» در کل پیکره معاصر زبان فارسی موارد ناپذیرفتنی و معانی اصطلاحی و کنایی حذف شد. در پایان ۱۹۲ شاهد انتخاب و بررسی و سپس به دقت برچسب گذاری شد. نمودار ۵ توزیع فراوانی معانی فعل گوش دادن در پیکره فارسی معاصر را نشان می دهد:



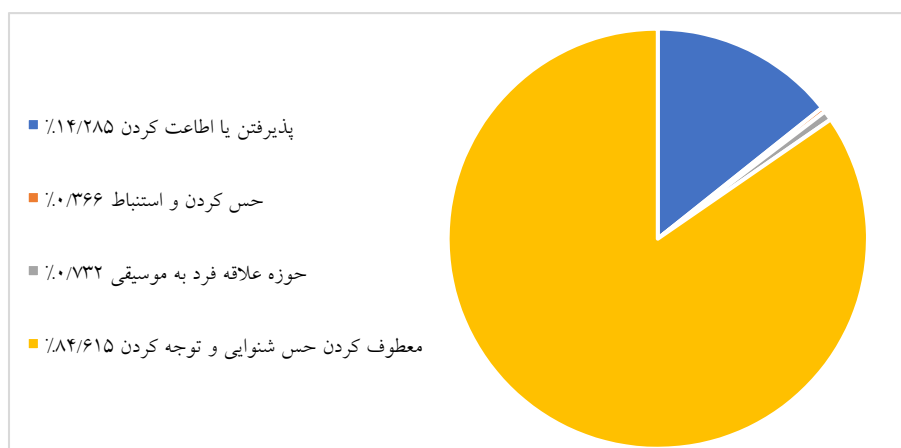
نمودار ۵. توزیع فراوانی معانی فعل «گوش دادن» در پیکره معاصر

از سه شاهد مثال قابل قبول از فعل گوش دادن در تمام پیکره تاریخی موارد زیر گزارش می شود:



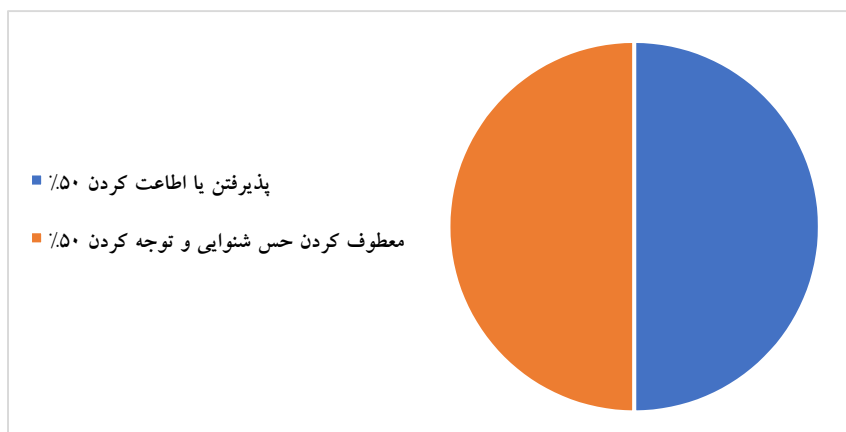
نمودار ۶. توزیع فراوانی معانی فعل «گوش دادن» در پیکره تاریخی

از ۱۳۰۰ نمونه استخراج شده از فعل «گوش کردن» در کل پیکره معاصر زبان فارسی، پس از حذف موارد ناپذیرفتنی و معانی اصطلاحی و کنایی، ۲۷۳ شاهد انتخاب و بررسی و به‌دقت برچسب‌گذاری شد. نمودار ۷ توزیع فراوانی معانی فعل گوش کردن در پیکره معاصر را نشان می‌دهد:



نمودار ۷. توزیع فراوانی معانی فعل «گوش کردن» در پیکره معاصر

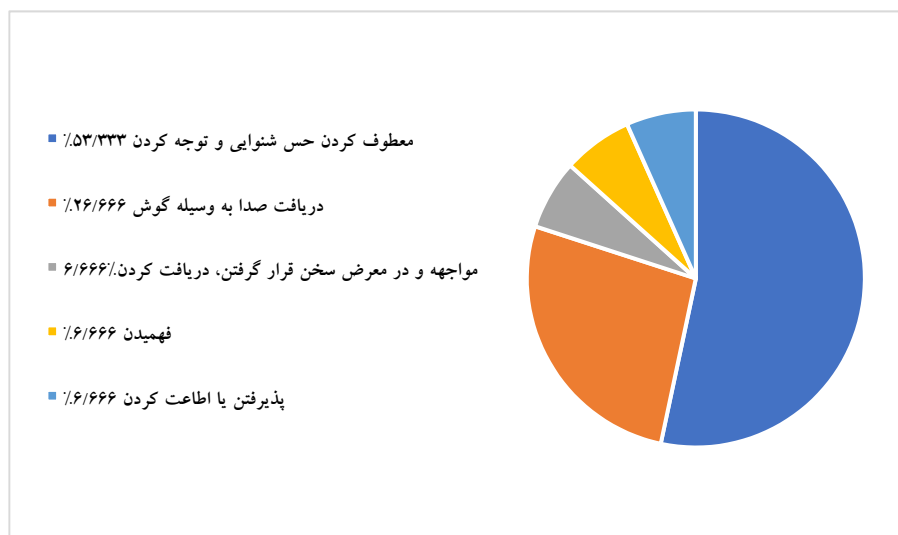
در کل پیکره تاریخی از شانزده مثال قابل قبول از فعل گوش کردن برچسب‌های معنایی زیر استخراج شد. نمودار ۸ توزیع فراوانی معانی فعل گوش کردن در پیکره تاریخی را نشان می‌دهد:



نمودار ۸. توزیع فراوانی معانی فعل «گوش کردن» در پیکره تاریخی

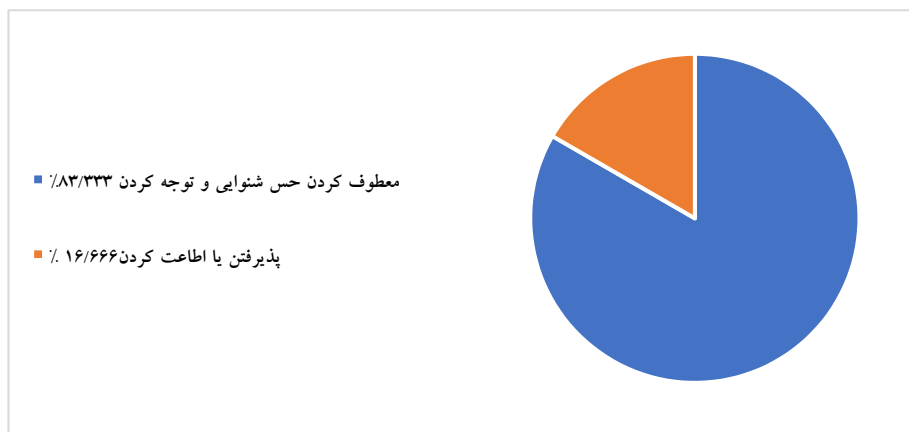
چندمعنایی افعال حوزه شنیدن در زبان فارسی: بررسی در زمانی، پیکره‌ای، و شناختی ۱۵۱

از پانزده مثال قابل قبول فعل «نیوشیدن» در تمام پیکره معاصر معانی زیر مشاهده شد. نمودار ۹ توزیع فراوانی معانی فعل نیوشیدن در پیکره معاصر را نشان می‌دهد:



نمودار ۹. توزیع فراوانی معانی فعل «نیوشیدن» در پیکره معاصر

از شش شاهد مثال قابل قبول فعل «نیوشیدن» در کل پیکره تاریخی برجسب‌های زیر یافت شد. نمودار ۱۰ توزیع فراوانی معانی فعل نیوشیدن در پیکره تاریخی را جهت گزارش یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد:

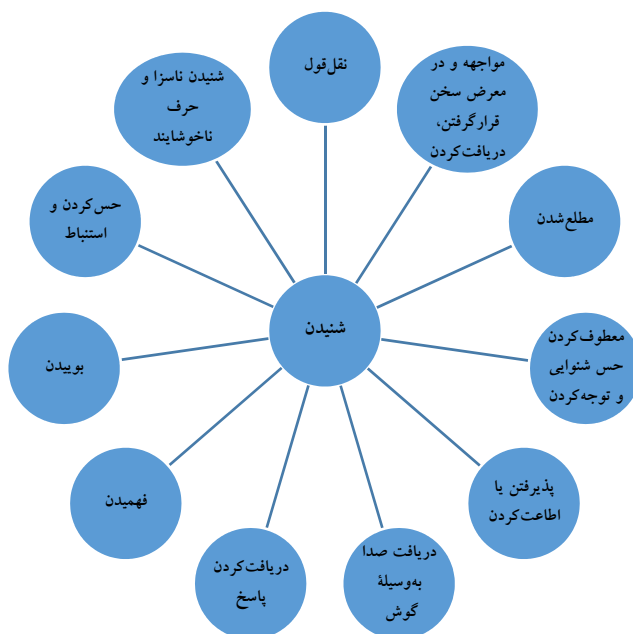


نمودار ۱۰. توزیع فراوانی معانی فعل «نیوشیدن» در پیکره تاریخی

۴. نتیجه‌گیری

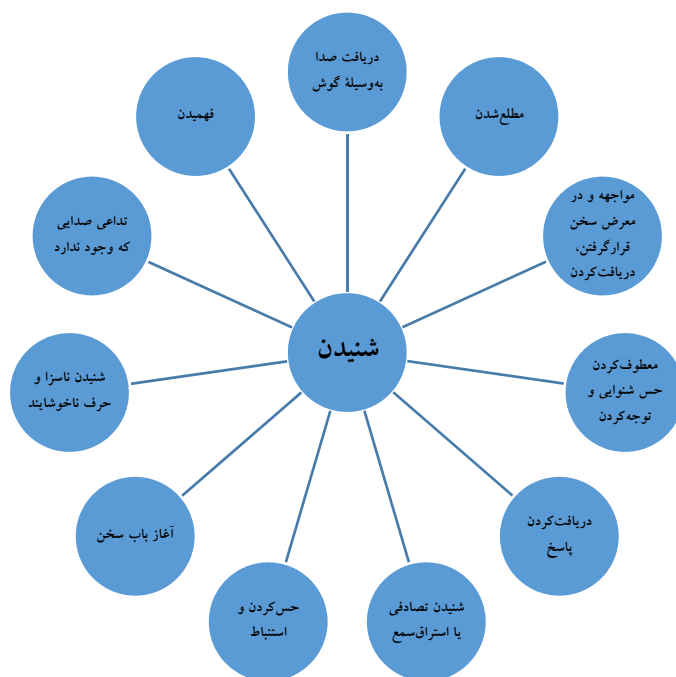
این تحقیق با هدف حل مسئله کم‌وکاستی‌ها در فرهنگ‌های لغت موجود و کمک به آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبان انجام گرفت. در شرایطی که این اهداف تنها جنبه کاربردی این هدف را پوشش می‌دهند، نگارندگان به جنبه نظری تحقیق، که ترسیم شبکه معنایی یک طبقه از افعال حسی، که افعال حوزه «شنیدن» است، پرداختند. نکته درخور توجه آن است که پدیده چندمعنایی در طبقه افعال حسی در زبان‌های مختلف مشترک است و گاه این افعال گستره چندمعنایی مشابهی دارند. از این دستاورد با نام «چندمعنایی نظام‌مند» یاد می‌شود. بررسی چندمعنایی افعال حوزه شنیدن، به‌عنوان یکی از افعال حسی در معنی‌شناسی، از آن جهت حائز اهمیت است که نه تنها صرفاً در مورد این فرایند اطلاعات فراوانی به‌دست می‌دهد، بلکه نتایج مهمی در مورد شناخت و عملکرد حس شنوایی به همراه می‌آورد.

پس از بررسی افعال حوزه شنیدن در پیکره تاریخی، معانی مختلف به‌دست آمده در نمودار شبکه معنایی ترسیم شد؛ به این صورت که نمودارها از معنی با بسامد بیش‌تر به معنی با بسامد کم‌تر به‌صورت ساعت‌گرد گسترش یافته‌اند. در زیر نمودار شبکه معنایی فعل شنیدن با برچسب «نقل قول» به‌عنوان پیش‌نمونه ترسیم شده است:



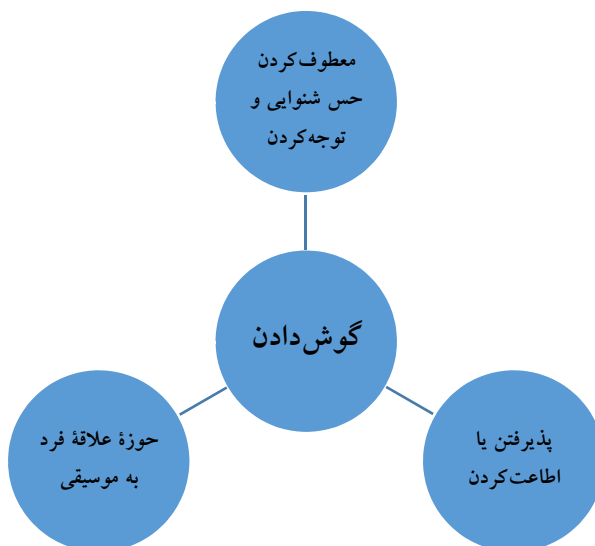
نمودار ۱۱. شبکه معنایی فعل «شنیدن» در پیکره تاریخی

در پژوهش حاضر، با استناد به پیکره زبان فارسی، به تفکیک معانی گوناگون فعل «شنیدن» پرداخته شد و نهایتاً شبکه معنایی فعل شنیدن در پیکره معاصر به صورت زیر ترسیم شد. ذکر این نکته لازم است که این نمودار به صورت ساعت‌گرد از بیش‌ترین بسامد به کم‌ترین بسامد ترسیم شده است؛ به این معنا که برچسب‌ها از سمت پیش‌نمونه گسترش یافته‌اند.



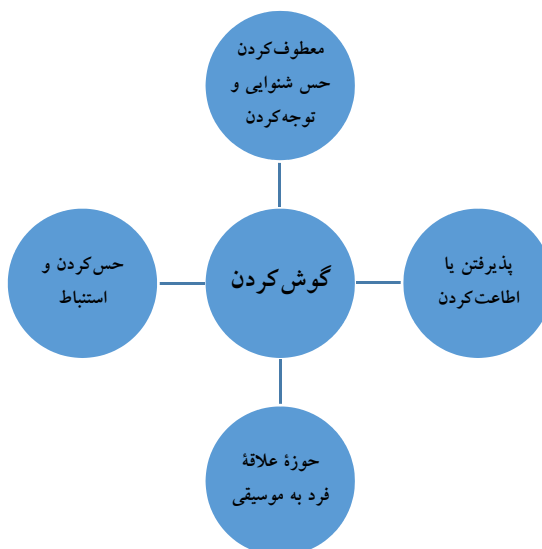
نمودار ۱۲. شبکه معنایی فعل «شنیدن» در پیکره معاصر

از ۱۹۲ شاهد مثال قابل تحلیل و قابل قبول برای فعل گوش دادن در پیکره معاصر برچسب‌های معنایی موجود در نمودار شبکه معنایی ترسیم شده در زیر با حفظ نظم ساعت‌گرد بسامد بیش‌تر به بسامد کم‌تر استخراج شده‌اند:



نمودار ۱۳. شبکه معنایی فعل «گوش دادن» در پیکره معاصر

از ۲۷۳ شاهد مثال قابل قبول برای فعل گوش کردن در پیکره معاصر برجسب‌های زیر استخراج شد که در نمودار شبکه معنایی با حفظ نظم بسامد بیش‌تر به بسامد کم‌تر به‌طور ساعت‌گرد ترسیم شده‌اند:



نمودار ۱۴. شبکه معنایی فعل «گوش کردن» در پیکره معاصر

در مورد فعل شنیدن معانی «دریافت صدا به وسیله گوش»، «مطلع شدن»، «مواجهه و در معرض سخن قرار گرفتن و دریافت کردن»، «معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن»، «دریافت کردن پاسخ»، «حس کردن و استنباط»، «شنیدن ناسزا و حرف ناخوشایند»، و در پایان «فهمیدن» بین دو پیکره تاریخی و معاصر مشابه، اما دارای بسامد وقوع متفاوت‌اند. برچسب‌های «شنیدن تصادفی» یا «استراق‌سمع»، «آغاز باب سخن»، و «تداعی صدایی که وجود ندارد» برچسب‌های مختص پیکره معاصرند و برچسب‌های «پذیرفتن یا اطاعت کردن»، «بوییدن»، و «نقل قول» مختص پیکره تاریخی‌اند.

در مورد برچسب‌های مربوط به فعل گوش دادن می‌توان مشاهده کرد که در پیکره معاصر برچسب «حوزه علاقه فرد به موسیقی» به دو برچسب «معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن» و «پذیرفتن یا اطاعت کردن»، که در پیکره تاریخی موجود بودند، اضافه شده است. این موضوع در مورد فعل گوش کردن نیز صدق می‌کند. به علاوه، در پیکره معاصر در مورد فعل گوش کردن برچسب «حس کردن و استنباط» را نیز مشاهده می‌کنیم. تشابه برچسب‌های دو فعل گوش دادن و گوش کردن می‌تواند حاکی از تفاوت سبکی کاربرد این دو فعل در زبان فارسی باشد.

درباره فعل شنفتن در پیکره تاریخی فقط برچسب «مطلع شدن» یافت شد. در پیکره معاصر، علاوه بر این مورد، برچسب «مواجهه و در معرض سخن قرار گرفتن»، «دریافت کردن»، «دریافت صدا به وسیله گوش»، «پذیرفتن یا اطاعت کردن»، «معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن»، و «بوییدن» یافت شد.

برچسب‌های معنایی به دست آمده برای فعل نیوشیدن در پیکره تاریخی شامل «پذیرفتن یا اطاعت کردن» و «معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن» است. در پیکره معاصر علاوه بر این برچسب‌ها برچسب‌های «دریافت صدا به وسیله گوش»، «مواجهه و در معرض سخن قرار گرفتن»، و «فهمیدن» نیز یافت شد.

کتاب‌نامه

- افراشی، آزیتا (۱۳۹۵)، *مبانی معناشناسی شناختی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افراشی، آزیتا و سجاد صامت (۱۳۹۳)، «چندمعنایی نظام‌مند با رویکردی شناختی تحلیل چندمعنایی فعل حسی "شنیدن" در زبان فارسی»، *دب‌پژوهی*، دوره ۸، ش ۳۰.
- افراشی، آزیتا و ساناز عسگری (۱۳۹۶)، «چندمعنایی فعل حسی "دیدن" در زبان فارسی: پژوهشی شناختی و پیکره‌ای»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، دوره ۷، ش ۱۴.

- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- پورداد، افروز و مهناز کربلایی صادق (۱۳۹۲)، بررسی رده‌شناختی دو مفهوم "خوردن" و "آشامیدن" در زبان فارسی: رویکردی شناختی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- حسن دوست، محمد (۱۳۸۳)، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵)، لغت‌نامه، تهران: سازمان لغت‌نامه.
- شهابی، شایا (۱۳۹۱)، طراحی و ساخت سیستم پردازش معنی پیکره‌بنیاد: رفع ابهام معنایی افعال حسی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عاصی، مصطفی (۱۳۸۲)، «از پیکره زبانی تا زبان‌شناسی پیکره‌ای» در: مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- عظیمی، آیدا (۱۳۹۹)، بررسی چندمعنایی افعال حوزه شنیدن در زبان فارسی: بررسی در زمانی، پیکره‌ای، و شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی آریتا افراشی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فتح‌علی، زهرا و آریتا افراشی (۱۳۹۶)، چندمعنایی فعل‌های حسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای به مطالعه افعال حوزه معنایی خوردن و آشامیدن در زبان فارسی، کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- فیاضی، مریم و دیگران (۱۳۸۷)، «خاستگاه استعاری افعال چندمعنا در زبان فارسی از منظر معنی‌شناسی شناختی»، ادب‌پژوهی، دوره ۱، ش ۶.
- کریمی، طاهره و ذوالفقار غلامی (۱۳۹۲)، «استعاره‌های مفهومی در دیوان شمس بر مبنای کنش حسی خوردن»، نقد ادبی دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۶، ش ۲۴.
- گندم‌کار، راحله (۱۳۹۵)، «بررسی چندمعنایی فعل خوردن: نمونه‌ای از عدم کارایی رده‌شناسی واژگان»، زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء، دوره ۸، ش ۱۹.
- مادرشاهیان، سارا (۱۳۸۸)، بسط استعاری فعل‌های حسی و حوزه‌های واژگانی مرتبط در نگرش معناشناسی شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهراء.
- معین، محمد (۱۳۵۰)، فرهنگ فارسی، تهران: مازیار.
- منصوری، یدالله (۱۳۹۴)، فرهنگ ریشه‌شناختی افعال فارسی میانه، تهران: آوای خاور.

Baker, Paul, Andrew Hardie and Tony McEnery (2006), *A Glossary of Corpus Linguistics*, Edinburgh: Edinburgh University Press.

Dash, Niladri Serkhar (2008), *Corpus Linguistics: An Introduction*, Delhi: Pearson Longman.

Evans, Nicolas and David Wilkins (2000), "In the Mind's Ear: the Semantic Extensions of Perception Verbs in Australian", *Language*, no. 76.

Goddard, Cliff (1992), *Pitjantjatjara/ Yankunytjatjara to English Dictionary*, Revised Second Edition, Iad Press.

- Ibarretxe-Antuñano, Iraide (1997), "Smelling and Perception: A Cross-Linguistic Study", *Cuadernos de Filología Inglesa*, vol. 6, no. 2.
- Ibarretxe-Antuñano, Iraide (1999), *Polysemy and Metaphor in Perception Verbs: A Cross-Linguistic Study*, PhD Thesis, University of Edinburgh.
- Jakobi, Angelika and El-Shafie El-Guzuuli (2013), "Perception Verbs and Their Semantics in Dongolawi (Nile Nubian)", In *Perception and Cognition in Language and Culture*, Brill.
- Johnson, Mark (1987), *The Body in the Mind: the Bodily Basis of Meaning, Imagination and Reason*, Chicago: University of Chicago Press.
- Kurath, Hans (1921), *The Semantic Sources of the Words for the Emotions in Sanskrit, Greek, Latin and the Germanic Languages*, Menasha (WI): George Banta Publishing.
- Lakoff, George and Mark Johnson (1980), *Metaphors We Live by*, Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, George (1987), *Women, Fire and Dangerous Things, What Categories Reveal about the Mind*, Chicago and London: Chicago University Press.
- Rojo López, A. M. and Javier Valenzuela (2004), "Verbs of Sensory Perception: An English-Spanish Comparison", *Languages in Contrast*, vol. 5, no. 2.
- Neagu, Mariana (2013), "What is Universal and What is Language Specific in The Polysemy of Perception Verbs", In Irina Necula (ed.), *Revue Roumaine de Linguistique*, vol. 58, no. 3.
- Newman, John (1997), "Eating and Drinking as Sources of Metaphor in English", *Cuadernos de Filología Inglesa*, vol. 6, no. 2.
- Sweetser, Eve (1990), *From Etymology to Pragmatics: Metaphorical and Cultural Aspects of Semantic Structure*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Taylor, John R. (1995), *Linguistic Categorization, Prototypes in Linguistic Theory*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Traugott, Elizabeth Closs (1986), "From Polysemy to Internal Semantic Reconstruction", *Annual Meeting of the Berkeley Linguistics Society*, vol. 12.
- Treis, Yvonne (2010), "Perception Verbs and Taste Adjectives in Kambaata and Beyond", in Anne Storch (ed.), *SUGIA – Sprache und Geschichte in Afrika*.
- Vanhove, Martine (2008), "Semantic Associations Between Sensory Modalities, Prehension and Mental Perceptions", in: Martine Vanhove (ed.), *From Polysemy to Semantic Change: Towards a Typology of Lexical Semantic Associations*.
- Van Hoek, K. (1999), "Cognitive Linguistics", In Robert A. Wilson and Frank C. Keil (eds.): *The MIT Encyclopedia of the Cognitive Sciences*.
- Viberg, Ake (1984), "The Verbs of Perception: A Typological Study", In *Explanations for Language Universals*, B. Butterworth, B. Comrie and O. Dahl (eds.), The Hague etc.: Mouton.
- Wierzbicka, Anna (1994), "Semantic Universals and Primitive Thought: The Question of the Psychic Unity of Humankind", *Journal of Linguistic Anthropology*, vol. 4, no. 1.

